

خدا چون سلام به روی ماهت...

# بال‌های آتشین ۴

## راز شب



ناشر خیلی متفاوت کتاب‌های کودک و نوجوان!



مال‌های  
اکتسب  
راز شب

توئی تی سادرلند  
آناهیتا حضرتی کیاوندانی

سرشناسه : سادرلند، توئی، ۱۹۷۸ - Sutherland,Tui،  
عنوان و نام پدیدآور : بال‌های آتشین: راز شب / نویسنده توئی تی سادرلند؛ ترجمه‌ی آناهیتا حضرتی کیاوندانی.  
مشخصات نشر: تهران: نشر پرتقال، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۳۰۳ ص. مصور: ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.

فرست : بال‌های آتشین: ۴.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۷۵-۰۶-۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Wings of fire, Book Four: The Dark Secret

عنوان دیگر: راز شب.

موضوع : داستان‌های کودکان (آمریکایی) - قرن ۲۰م.

موضوع: children's stories, American - 20 th century

شناسه‌ی افزوده: حضرتی کیاوندانی، آناهیتا، ۱۳۶۲-، مترجم.

رده بندی کنگره: ۳۶۱۲PS/الف۴ب۱۳۹۵

رده بندی دیویی: [ج]۸۱۳/۵۴

شماره کتاب شناسی ملی: ۴۵۵۰۴۱۲



انتشارات پرتقال

بال‌های آتشین ۴: راز شب

نویسنده: توئی تی سادرلند

مترجم: آناهیتا حضرتی کیاوندانی

ویراستار: فاطمه فدایی‌حسین

مدیر هنری و طراح جلد نسخه‌ی فارسی: کیانوش غریب‌پور

آماده‌سازی و صفحه‌آرایی: آتلیه پرتقال / سید سعید هاشمیان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۷۵-۰۶-۸

نوبت چاپ: اول - ۹۶

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی، چاپ‌وصحافی: سازمان چاپ و انتشارات

قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان



۳۰۰۰۶۳۵۶۴



۰۲۱ - ۶۳۵۶۴



www.porteghaal.com



kids@porteghaal.com

برای مادرم که قلبش پُر از صلح است.

آح







دانه‌های شب‌بال درباری  
از حقایق

قلندرو جنگل انبوه



قلمرو پخ

قلمرو آس

# ارزمین پیریا

لانہی عقب

کوهستان پیر



### شن‌بال‌ها

ویژگی‌ها: فلس‌های طلایی یا سفید به رنگ شن‌های بیابان، دُم خاردار زهر آگین و زبان سیاه دوشاخه دارند.

توانایی‌ها: می‌توانند مدت زیادی بدون آب زنده بمانند، مانند عقرب با انتهای دُمشان دشمن را نیش بزنند و مسموم کنند، خودشان را برای استتار در شن‌های بیابان مدفون کنند و از دهانشان آتش خارج کنند.

ملکه: از زمان مرگ ملکه اوسیسی به بعد، قبیله به سه گروه تقسیم شده که هر یک برای رسیدن به قدرت تلاش می‌کنند: سه خواهر به نام‌های برن، بلیستر و پلیر.

متحدان و دوستان: برن در کنار اژدهایان قلمرو آسمان و اژدهایان قلمرو گل می‌جنگد، بلیستر با افراد قلمرو دریا متحد است و پلیر از حمایت بیشتر افراد قلمرو شن و اتحاد با قلمرو یخ برخوردار است.

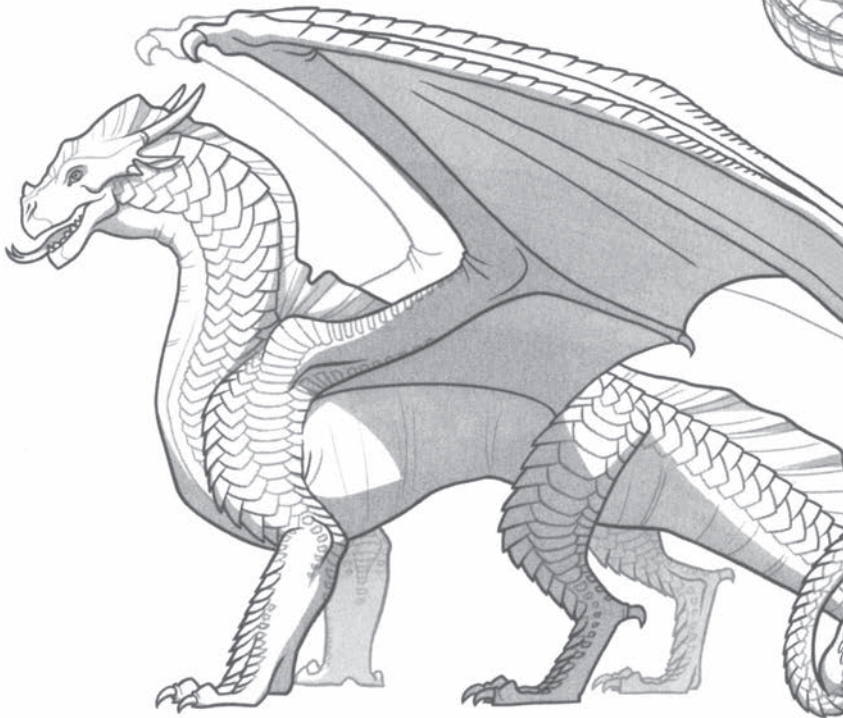
## گل‌بال‌ها

ویژگی‌ها: فلس‌های زُ‌مخت، زره‌مانند و قهوه‌ای، گاهی با ته‌رنگ  
طلایی و کهزبایی دارند. سرشان پهن و بزرگ است و سوراخ‌های  
بینی‌شان بالای پوزه قرار گرفته است.

توانایی‌ها: (در صورتی‌که به‌اندازه‌ی کافی گرم شوند) می‌توانند از  
دهانشان آتش خارج کنند، نفسشان را بیش از یک ساعت حبس  
کنند و خودشان را با گودال‌های بزرگ گل‌هم‌رنگ کنند؛ معمولاً بسیار  
قدرتمند هستند.

ملکه: ملکه‌ی آن‌ها مورهن است.

متحدین و دوستان: درحال حاضر با یرن و افراد قلمرو آسمان برای  
جنگ بزرگ متحد هستند.



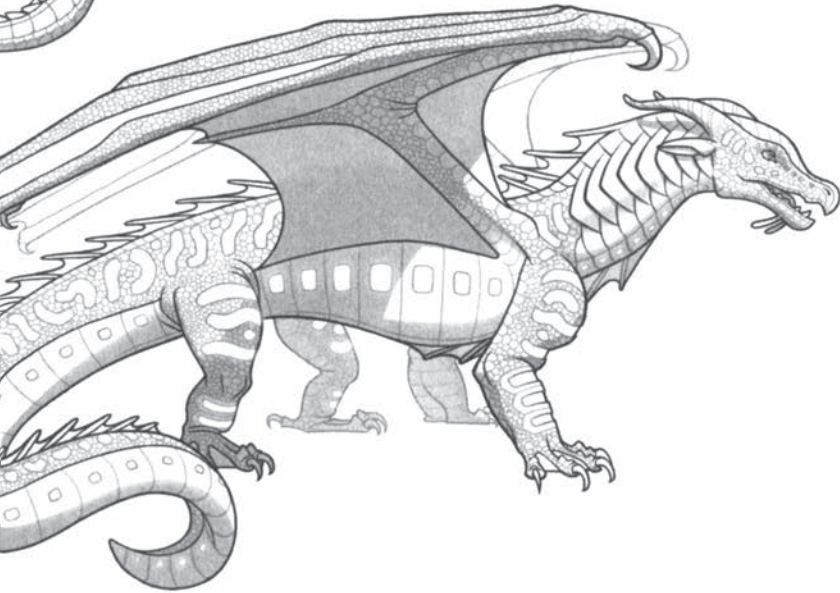
## آسمان‌بال‌ها

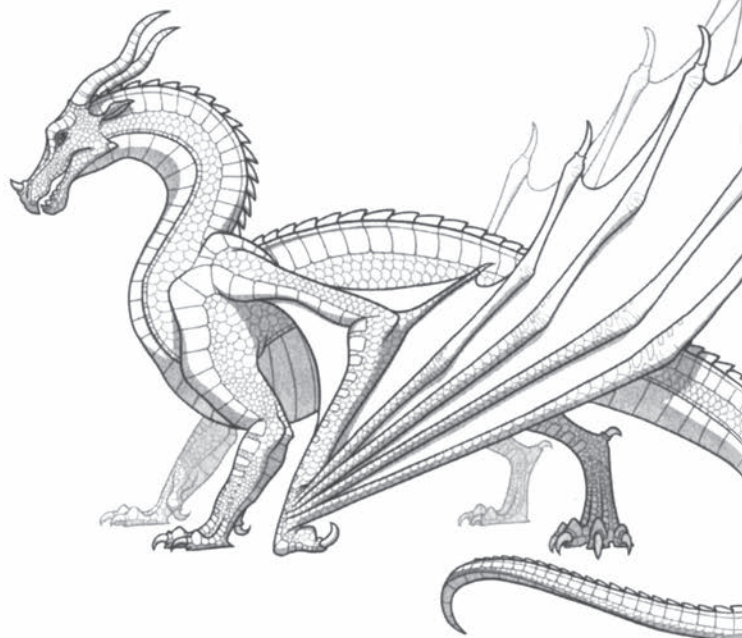
ویژگی‌ها: فلس‌های قرمز-طلایی و یا نارنجی و بال‌های بسیار بزرگ دارند.

توانایی‌ها: جنگجویان و پرنندگان قدرتمندی هستند، می‌توانند از دهانشان آتش خارج کنند.

ملکه: ملکه‌ی آن‌ها اِسکارلیت است.

متحدین: درحال حاضر با پرن و افراد قلمرو گل برای جنگ بزرگ متحد هستند.



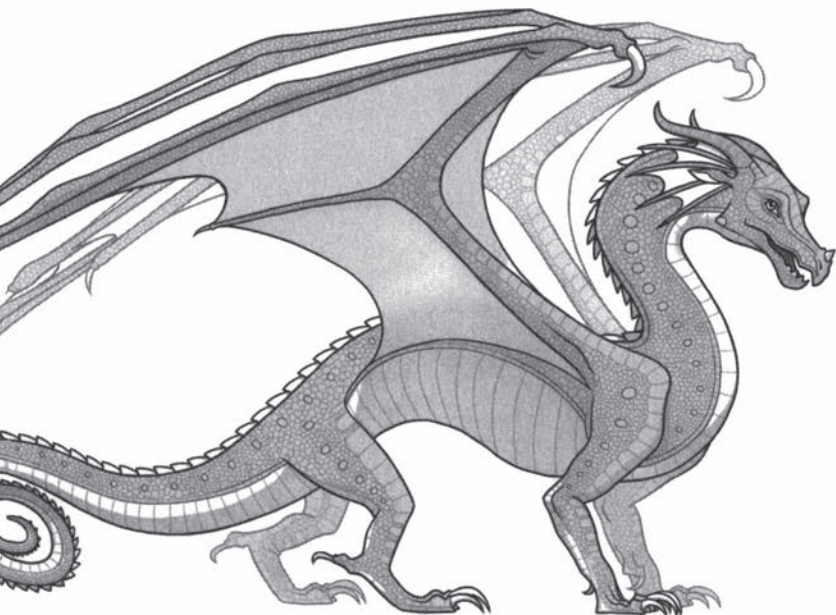


## دریابال‌ها

ویژگی‌ها: فلس‌های آبی، سبز و یا زُمردی دارند، پنجه‌هایشان پره‌دار است، روی گردن آبشش دارند، روی دُم، پوزه و زیر شکم راه‌راه‌های شیرنگ دارند.

توانایی‌ها: می‌توانند زیر آب تنفس کنند، در تاریکی بینند، یا یک ضربه‌ی دُم قدرتمندشان یک موج بزرگ بسازند و به‌خوبی شنا کنند. ملکه: ملکه‌ی آن‌ها کورال است.

متحدین: درحال حاضر برای جنگ بزرگ با بلیستر متحد هستند.



## یخ‌بال‌ها

ویژگی‌ها: فلس‌های نقره‌ای به رنگ ماه و یا آبی روشن به رنگ یخ دارند. پنجه‌های برجسته برای گرفتن یخ و زبان دوشاخه‌ی آبی دارند. دُمشان از پایین به بالا نازک می‌شود و شلاق‌مانند است. توانایی‌ها: می‌توانند دماهای بسیار پایین و نور شدید را تحمل کنند، بازدم فوق‌العاده سرد و کشنده‌ای دارند. ملکه: ملکه‌ی آن‌ها گل‌سپیر است. متحدین: درحال حاضر با بلیز و افراد قلمرو شِن برای جنگ بزرگ متحد هستند.

## باران‌بال‌ها

ویژگی‌ها: فلس‌های آن‌ها دائم تغییر رنگ می‌دهد. معمولاً به رنگ‌های درخشان هستند و با دُم‌هایشان توانایی گرفتن اجسام را دارند. توانایی‌ها: می‌توانند برای استتار به رنگ محیط اطراف دربیایند. از دُم‌های قلاب‌وارشان برای بالا رفتن از جاهای مختلف استفاده می‌کنند. هیچ سلاح طبیعی شناخته‌شده‌ای ندارند.  
ملکه: ملکه‌ی آن‌ها دازلینگ است.  
متحدین: در جنگ بزرگ شرکت ندارند.





### شب‌بال‌ها

ویژگی‌ها: در قسمت داخلی بال‌هایشان فلس‌های بنفش-مشکی و فلس‌های پراکنده‌ی نقره‌ای دارند؛ مثل یک شب‌پُرستاره! زبانشان سیاه و دوشاخه است.

توانایی‌ها: می‌توانند از دهانشان آتش خارج کنند، در سایه‌های تاریک ناپدید شوند، ذهن‌خوانی کنند و از آینده خبر بدهند.  
ملکه: اینکه ملکه‌ی آن‌ها چه کسی است، یک راز سر به‌مُهر است.  
متحدین: از آنجا که آن‌ها بسیار مرموز و قدرتمند هستند، نمی‌توانند در جنگ شرکت داشته باشند.



## پیش‌گویی اژدهازادگان

بیست سال که از جنگ بگذرد،  
اژدهازادگان خواهند آمد...  
آن هنگام که زمین غرق در خون و اشک است،  
اژدهازادگان خواهند آمد...  
آبی‌ترین تخم دریابالان را بجوی.  
اژدهای شب به‌سویت خواهد آمد.  
بزرگ‌ترین تخم اژدها در بلندای کوهستان  
اژدهای آسمان را برایت به ارمغان خواهد آورد.  
برای یافتن اژدهای زمین، در خاک  
تخم اژدهایی به رنگ خون را بجوی.  
اژدهای شن به دور از چشم ملکه‌های رقیب  
در خفا، پنهان خواهد ماند.  
از بین سه ملکه  
که یکی می‌سوزاند و دیگری می‌گذارد  
و آن دیگر که مشتعل می‌سازد  
دو تن خواهند رفت و یک تن  
خواهد آموخت  
اگر به تقدیرِ والاتر و قادرتر تن دردهد،  
بال‌های آتشین را خواهد یافت.  
تولد پنج اژدها در روشن‌ترین شب  
پایان نبرد بزرگ خواهد بود.  
شب می‌آید تا روشنی بیاورد؛  
اژدهازادگان در راه‌اند...



## سرآغاز

معلوم نبود یخ‌بال‌ها یک‌دفعه از کجا پیدایشان شد. قرار بود شب آرامی باشد. غیر از آسمان‌بال‌ها و گل‌بال‌هایی که توی مرز کوهستانی بین قلمروشان گشت‌زنی می‌کردند، نباید اژدهای دیگری دیده می‌شد. بعد از آن جنگِ شانزده روز قبل که به خاطرش کرین را از دست دادند، دیگر نزدیکی‌های دهکده‌شان درگیری نشده بود.

هنوز هم رید هر وقت یاد جنگ می‌افتاد، دلش می‌گرفت. بعضی وقت‌ها دلش می‌خواست چشم‌هایش را ببندد، زمین دهن باز کند، او برود تویش و هیچ وقت بیرون نیاید. ولی نمی‌شد؛ رید مسئولیت چهارتا خواهر و برادر کوچک‌ترش را هم به عهده داشت. رهبر و بزرگ‌ترشان بود. البته حالا بزرگ‌تر آن‌ها، برادرشان کیلی بود که قبل از تولد آن‌ها، تخمش را دزدیده بودند. حالا می‌دانست دیگر نیازی نیست او مسئولیت چیزی را به عهده داشته باشد. آمپر جستی زد کنارش و یواشکی گفت: «شمام شنیدین؟» آمپر کوچک‌ترین برادر گل‌بال‌ها و از همه باهوش‌تر بود. رید دیگر می‌دانست بهتر است همیشه به حرف او گوش بدهد.

رید هم سرش را خم کرد و گوش‌هایش تیز شد. یواشکی گفت: «چی؟» افتاد توی جریان هوا و یک‌کم اوج گرفت؛ صخره‌های ناهموار کوه‌های پنجه‌ی ابر را واری کرد. ندید چیزی حرکت کند؛ صدای بال اژدهایی را هم نشنید. باین حال چرخ‌ی زد تا ببیند اوضاع خواهر و برادرهایش چطور است.

دُمی برایشان تکان داد تا به او نزدیک‌تر شوند. فیزنت، سورا و مارش زود آمدند پشت سرش و به پروازشان ادامه دادند.

آمپر گفت: «فکر کنم از همین دوروبرها یه صدای هیس شنیدم.»  
رید با نگرانی نگاهی انداخت به درخت‌های تیره‌ای که دامنه‌ی کوه زیر پایشان را پوشانده بودند. هرچیزی می‌توانست آنجا مخفی شده باشد.  
ولی فقط صدای فرماندهی شن‌بال‌ها را از آن جلوتر می‌شنید که بلندبلند داد می‌زد؛ مثلاً قرار بود مخفیانه گشت‌زنی کنند.

فرمانده نعره زد: «تکون بخورین دیگه، شن‌بال‌ها! یک گروه از شن‌بال‌ها هم که همه درست به ملکه برن وفادار بودند، پشتش معلق توی هوا، غر می‌زدند: «دلم می‌خواد زودتر این کشیک تموم شه، برم امشب یه کم بخوابم!»  
آمپر به رید گفت: «لابد چیز خاصی نبوده.»

و همان موقع بود که نُه یخ‌بال از توی جنگل زدند بیرون و به شن‌بال‌ها حمله‌ور شدند.

آن قدر سریع و حساب‌شده و ناگهانی حمله کردند که رید حتی فرصت نکرد بفهمد آن حمله واقعی است یا الکی. توی یک چشم‌به‌هم‌زدن، شن‌بال‌ها تکه و پاره، درحالی‌که خون از گلوهایشان می‌ریخت، از توی هوا ول شدند سمت زمین.  
مارش که از ترس می‌لرزید چنان چسبید به رید که نزدیک بود برادر بزرگ‌ترش را از آسمان بیندازد پایین. از اولین جنگشان به بعد که مارش مرگ خواهرشان، کرین، را با چشم‌های خودش دید، هنوز هم درست و حسابی خوب نشده بود. رید فکر کرد: من باید یه کاری براش بکنم.  
ولی الآن نمی‌شه.

بالش را از پنجه‌ی او کشید بیرون و داد زد: «مارش، خودت رو نباز. بیاین! زود باشین. باید بریم کمکشون!»

توی صورت همه‌ی آن‌ها ترس را دید و با خودش گفت: طبق معمول! اگر کیلی آنجا بود، توی این موقعیت چه کار می‌کرد؟ اگر کیلی رهبرشان بود،